



### وضعیت حقوقی شرکت‌های متعلق به سازمان تأمین اجتماعی چگونه است؟

بر اساس ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶، نهادهای عمومی غیردولتی تعریف شده‌اند. در این ماده آمده است؛ مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمان مشخصی...  
**همین صفحه**



**دستگاه هایی که در این شماره با روزنامه همکاری داشته اند**

شیرازی-میرداد  
شهریاری-تجارت  
شهریاری-شانی  
شهریاری-علی آبادکنول

انبار وفوق واکوور خیریه  
جنوب انبار

سازمان جهاد کشاورزی  
استان لرستان

شفاف سازی مناقصات؛ نیاز اساسی حمایت از سرمایه و کار ایرانی

# مناقصه مزایده

روزنامه اجتماعی - فرهنگی - سیاسی - اقتصادی

اولین و جامع ترین روزنامه اختصاصی مناقصات و مزایدات کشور

شبه ۹زدهشت ۱۳۹۱ | سال هفتم | شماره ۲۲۰ | جمادی الثانی ۱۴۱۳ | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان | صفحه ۸ | صفحه ۲۸۰ | صفحه راهنما

Vol.7 | No.740 | 300 Rls

Apr.28, 2012 | ISSN:2008-2886

علاقه مندان به مباحث کار گروه شده در این روزنامه، می توانند از ابتدا این مطالب را شنیه ها در ستون کار گروه مطالعه نمایند.

# ۲۰۳۳

## مناقصه و مزایده

هفته گذشته توسط ۲۳۷ دستگاه در ۳۱ استان کشور برگزار شد که مشروح آن را در راهنمای مناقسه مزایده درج شده است.

# راهنمای مناقصه مزایده

۴۸ صفحه

### در این شماره می خوانید

**راهکارهای جهش تولید و اقتصاد ملی- از نگاه رییس کل سازمان سرمایه گذاری / ۲**

**نقد و بررسی طرح برگزاری مناقصات / ۳**

**بررسی ارزشیابی اصول بنیادین حکم بر طرح برگزاری مناقصات / ۵**

**نابسامانی های عرصه اقتصادی و مالی کشور / ۸**



**نادر همایونی**  
کارشناس ارشد حقوق

### وضعیت حقوقی شرکت های متعلق به سازمان تأمین اجتماعی چگونه است؟

بر اساس ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶، نهادهای عمومی غیردولتی تعریف شده‌اند. در این ماده آمده است؛ مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمان مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده و یا می شود، بر اساس تبصره این ماده، فهرست این قبیل مؤسسات و نهادهای با توجه به قوانین مقررات مربوط از طریق دولت پیشنهاد و به تصویب شورای اسلامی خواهد رسید.

متعاقباً بر اساس ماده واحده مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی احصاء گردیده و فهرست آن به تصویب مجلس رسید که به مرور زمان بر این تعداد افزوده شده به گونه ای که تاکنون به حدود ۲۴ مورد رسیده‌اند. نکته جالب آن که در صدر ماده واحده بیان نموده نهادهای مذکور و مؤسسات وابسته به آن ها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی محسوب می گردند. در تبصره برای تعریف مطلب فوق بیان داشته مؤسسه وابسته از نظر این قانون واحد سازمانی مشخصی است که به صورتی غیر از شرکت و برای مقاصد غیر تجاری و غیر انتفاعی توسط یک یا چند مؤسسه و نهادهای عمومی غیردولتی تأسیس و اداره می شود و به نحوی مالکیت آن متعلق به یک یا چند مؤسسه یا نهاد عمومی غیر دولتی باشد. با وجود تعریف مذکور و در نظر گرفتن اختلاف حقوقی شرکت با مؤسسه و نوع فعالیت آنها و انتفاعی و غیرانتفاعی بودن فعالیت های مذکور، مطابق این قانون به جز شرکت های متعلق به شهرداری که بیش از ۵۰ درصد سهام آن به شهرداری تعلق دارد باید دلیل ذکر در قانون، شرکت هایی که توسط سایر مؤسسات تأسیس می شود جزو مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی محسوب نمی گردند. لذا مطابق بند ۱۰ ماده واحده که سازمان تأمین اجتماعی جزء نهادهای عمومی غیردولتی است. شرکت هایی که تأمین اجتماعی تأسیس می نماید یا سهام آنها را خریداری نموده و سهامدار عمده ای ۱۰۰ درصد آن می شود، این شرکت ها، نهاد عمومی غیردولتی محسوب نمی گردند.

در سال ۱۳۸۶ با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری در ماده ۳ تعریف جدیدی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به عمل آمد که مطابق آن: «واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می شود و بیش از ۵۰ درصد بوجه سالانه آن از محل منابع غیر دولتی تأمین می گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.» همانگونه که مشخص است این تعریف از تعریف ماده ۵ قانون محاسبات سال ۱۳۶۶ متمایز است و در مقام نسخ و منسوخ، این قانون لاحق، ناسخ قانون سابق است و حتی از لحاظ اصول حقوقی، خاص مؤخر، ناسخ عام مقدم می باشد؛ لذا به نظر می رسد تعریف ماده ۵ قانون محاسبات نسخ گردیده و استناد به آن در تعریف قوانین دیگر (اعم از بوجه یا سایر قوانین مصوب) غیر مستند باشد لذا تعریف حاکم، تعریف ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری است. در هر صورت با تعریف سازمان تأمین اجتماعی جزء نهادهای عمومی غیردولتی است و با توجه به تغییر در ساختار وزارتخانه ها و قرار گرفتن در زیر مجموعه دستگاه های اجرایی، ابهاماتی ایجاد شده که نیاز به بررسی دقیق تر دارد. اما آنچه به نظر مسلم می آید، این که شرکت های متعلق به تأمین اجتماعی جزء نهادهای عمومی غیر دولتی نمی باشند که این موضوع از موارد مختلف استنباط می شود؛ اولاً از تعریف تبصره ماده واحده سال ۱۳۷۲، ثانیاً عدم انجام و ارایه خدمات عمومی توسط این شرکت ها به گونه ای که با هدف انتفاع، فعالیت های تجاری همانند بخش خصوصی انجام می دهند. از سویی زمانی که ریاست سازمان تأمین اجتماعی و هیات مدیره توسط قوه مجریه انتخاب می شوند و شورای آن از صاحب تمینان قوه مجریه هستند، به تبع آن مدیر و اعضای هیات مدیره شرکت های متعلق به تأمین اجتماعی نیز به طور غیر مستقیم توسط قوه مجریه انتخاب می شوند. حال با توجه به نوع ارتباط شرکت های متعلق به تأمین اجتماعی با قوه مجریه و با در نظر گرفتن آنکه این شرکت ها نه دولتی هستند نه نهاد عمومی غیردولتی و نه تعاونی، آیا می توان گفت

# شرکت هایی که با «کد اقتصادی» پول دار می شوند!

برخی دارندگان کد اقتصادی این امتیاز خود را در قبال دریافت پول در اختیار فعالان اقتصادی قرار می دهند و به نوعی کسب درآمد کرده و شغل های کاذبی را بدون نظارت ایجاد کرده اند.

به گزارش مهر، فعالیت شرکت هایی در بخش امور مالیاتی بدون هیچ نظارتی هر روز گسترش بیشتری پیدا می کنند، این شرکت ها بدون ضابطه و قانون به فعالیت می پردازند و پول ها و درآمدهای کلانی را حتی بدون پرداخت مالیات برای خود رقم می زنند.

گشتی در صفحات آگهی های روزانه روزنامه های کثیرالانتشار و مراجعه به بخش امور مالیاتی جاکي از فعالیت اقتصادی سواستفاده گران مالی است که برای کسب درآمد غیرقانونی از محل امتیاز کد اقتصادی عمل می کنند.

**چگونه از کد اقتصادی پول در می آورند؟**

کد اقتصادی، ارایه فاکتور رسمی و گواهی ارزش افزوده با قیمت مناسب و استثنایی و ارایه مشاوره توسط شرکت های خودجوشی که در این زمینه تشکیل شده اند و دارای کارمند و دفاتر هستند، هر روز در بخش آگهی روزنامه ها دیده می شود.

پیش از این در بخش مالی و پولی از جمله ادعای رفع سوء اثر از چک های برگشتی را شاهد بودیم که البته بانک مرکزی نسبت به این موضوع انتقاداتی را وارد دانست و آن را غیرقانونی اعلام کرد.

این در حالی است که سازمان امور مالیاتی کشور بی توجه به این آگهی ها، ارایه کد اقتصادی به افسرد حقوقی و حقیقی را همچنان در دستور کار خود دارد و هر روز اطلاعیه های جدیدی برای این منظور منتشر می کند. این شرکت ها نرخ های جالبی را به مراجعه کنندگان خود پیشنهاد می کنند. آن ها عنوان می کند که می تواند امتیاز کد اقتصادی خود را به شرکت ها و فعالان اقتصادی ارایه کرده و در قبال هر یک میلیون تومان فروش، درصدهای مختلفی دریافت می کنند.

به عبارتی، این شرکت ها توانستند از راه دریافت کد اقتصادی به نوعی کسب درآمد کنند و شغل های کاذبی را بدون نظارت ایجاد کنند. برخی از این شرکت ها نیم درصد از درآمد حاصل شرکت های مراجعه کنندگان به آن ها را مثلاً در بخش فروش به خود اختصاص می دهند.

**«بلک لیست» مالیاتی**

برخی از این شرکت ها به مشتریان مطرح می کنند که نرخ چندان مهم نیست و شرکت یا شخص حقیقی یا حقوقی که بخواهد با استفاده از این کد اقتصادی خرید و فروش و واردات کند و از امتیاز شرکت دارنده کد اقتصادی استفاده نماید، باید به مسایلی غیر از مسایل و سهم مالی و قیمت توجه داشته باشند. برخی از آن ها اعتبار شرکت دارنده کد اقتصادی و سایر شرایط را مهم ارزیابی می کنند و به مشتریان توصیه می کنند که به قیمت ها چندان توجهی نداشته باشند و چند درصد قیمت بی اهمیت

است. این شرکت ها از مشتریان در مورد این که آیا کارت بازرگانی دارند یا خیر، سؤال می کنند.

بخش دیگری از این آگهی ها هم به گواهی ارزش افزوده اختصاصی دارد. آن ها مدعی هستند که شرکتشان قانونی بوده و ثبت شده و دارای اسناد و مدارک قانونی است و هر ۳ یا ۶ ماه یکبار با واریز مالیات ارزش افزوده که امسال ۵ درصد شده است، به سازمان امور مالیاتی از اعتبار گواهی مالیات بر ارزش افزوده بر خود دارند و گواهی آن ها تمدید می شود.

این شرکت ها نسبت به این که در لیست سیاه سازمان امور مالیاتی و یا تحت تعقیب قانونی قرار گیرند، وحشت دارند اما نسبت به کار غیرقانونی خود اصرار می ورزند و در ارایه نرخ به مشتریان با یکدیگر رقابت می کنند. در همین حال، علی عسکری رییس کل سازمان امور مالیاتی عسکری با عدم صدور صورت حساب یا عدم درج شماره اقتصادی خود و طرف معامله حسب مورد یا استفاده از شماره اقتصادی خود برای معاملات دیگران یا استفاده از شماره اقتصادی دیگران برای معاملات خود مشمول جریمه ای معادل ۱۰ درصد مبلغ مورد معاملاتی که بدون رعایت ضوابط فوق انجام شده است خواهد بود.

عدم ارایه فهرست معاملات انجام شده به سازمان امور مالیاتی کشور طبق دستورالعمل صادره مشمول جریمه ای معادل یک درصد معاملاتی که فهرست آن ها ارایه نشده است خواهد بود. جرایم مذکور توسط اداره امور مالیاتی مربوط با رعایت مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون مطالبه خواهد شد و مدعی مکلف است ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برگ مطالبه نسبت به پرداخت آن اقدام کند. در غیر این صورت معترض شناخته شده و موضوع جهت رسیدگی و صدور رأی به هیأت حل اختلاف مالیاتی ارجاع خواهد شد. رأی هیأت مزبور قطعی و لازم الاجرا است. جریمه مذکور غیر قابل بخشش است و از طریق مقررات اجرایی موضوع این قانون قابل وصول خواهد بود.

تبصره ۱ - استفاده کنندگان از شماره اقتصادی دیگران نسبت به مالیات بر درآمد و همچنین جرایم موضوع این ماده یا اشخاصی که شماره اقتصادی آنان مورد استفاده قرار گرفته است مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

تبصره ۲ - در صورتی که طرفین معامله در معاملات خود از انجام دادن هر یک از تکالیف مقرر در این ماده خودداری نمایند، متضامناً مسؤول خواهند بود و در مواردی که خریدار از ارایه شماره اقتصادی خودداری کند، چنانچه فروشنده مشخص خریدار و موضوع معامله را ظرف مهلت یک ماه به سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کند، مشمول جریمه تخلف فوق از این بابت نخواهد بود.

بیان این که به اشخاص حقیقی هم از سال جاری شماره اقتصادی واگذار خواهد شد، گفته است: پس از واگذاری شماره ویژه اقتصادی به اشخاص حقوقی و حقیقی فعال در امور اقتصادی، درج این شماره برای هر گونه فعالیت اقتصادی و نقل و انتقالات اجباری خواهد شد، در غیر این صورت فعالیت آن ها غیرقانونی محسوب می شود. البته رییس کل سازمان امور مالیاتی توضیح نداده است که با کسانی که کد اقتصادی را می گیرند و از آن ها به شکل غیرقانونی پول در آورند، چگونه برخورد می شود.

جالب این که در گذشته اعلام شده بود که ۴۰ درصد فعالان اقتصادی برای دریافت کد اقتصادی آدرس اشتباه به سازمان امور مالیاتی کشور ارایه می کردند و به نظر می رسد این چالش همچنان ادامه دارد. مرحوم محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی کابینه اول اکبر هاشمی رفسنجانی با هدف نظام ند کردن شناسایی درآمد فعالان اقتصادی و کشف و ضبط هر معامله در اقتصاد ایران با همسان سازی tax number که در اقتصادهای توسعه یافته برای این منظور استفاده می شود، کد اقتصادی را برای به کارگیری در سیستم مالیاتی کشور پیشنهاد و اعمال کرد که به دلیل عدم آماده سازی بسترهای اولیه ناموفق بود. هم چنین در دوره وزارت محمد خان، حسین نمازی و... در وزارت



## آگهی مناقصه عمومی

یک مرحله ای شماره ۵۲۲۸۷۴۴۷

واگذاری عملیات تهیه مصالح و بازسازی کلی ۲۰ واحد منزل ویلایی خود را به مدت ۸ ماه

**روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان**

رجوع به صفحه ۹



## آگهی فراخوان مناقصه

موضوع مناقصه: تهیه و نصب جدول به طول ۲۰۰ متر در شهرک صنعتی دامغان

**شرکت شهرک های صنعتی سمنان**

رجوع به صفحه ۳



## آگهی فراخوان مناقصه

موضوع مناقصه: احداث منبع ۲۰۰۰ متر مکعبی بتنی شهرک صنعتی سمنان

**شرکت شهرک های صنعتی سمنان**

رجوع به صفحه ۳



## آگهی فراخوان مناقصه

موضوع مناقصه: احداث منبع ۲۰۰۰ متر مکعبی بتنی شهرک صنعتی سمنان

**شرکت شهرک های صنعتی سمنان**

رجوع به صفحه ۳

شفاف سازی مناقصات؛ نیاز اساسی حمایت از سرمایه و کار ایرانی

# راهکارهای جهش تولید و اقتصاد ملی

## از نگاه ریسی کل سازمان سرمایه گذاری

رییس کل سـازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در یادداشتی به بررسی راهکارهای جهش تولید و اقتصاد ملی پرداخته است.

به گزارش ایسنا، در این یادداشت آمده است: رهنمود و تأکید مجدد مقام معظم رهبری بر موضوع و مسأله اقتصادی در سال ۱۳۹۱ را شاید به‌توان به‌عنوان مهم‌ترین التفات، دغدغه و دل‌مشغولی ایشان در دهه سوم انقلاب اسلامی دانست. تمرکز بر موضوع و بخش اقتصادی (تولید، حمایت از کار و سرمایه ایرانی) ملازم با جهت‌گیری در روند و میزان شتاب حرکت (در سال‌های پیشین) مبین ضرورت بازخوانی پرونده مهم‌ترین مؤلفه رشد و توسعه اقتصاد کشور یعنی تولید و ثروت ملی در سال جاری است. تفاوت عمده در نام‌گذاری سال ۹۱ با سال‌های پیش از این را می‌توان علاوه بر تمرکز موضوع و توجه به بخش واقعی اقتصاد در میزان و قابلیت‌سنجش آن هم ربط داد. آن‌چه در این نوشتار کوتاه بنا دارم به آن بپردازم آرایه ره‌ئوس مهم‌ترین نکاتی است که می‌تواند به فوریت و شاید سهولت در دستور کار ارکان حاکمیت نظام قرار گرفته و بر این اساس امیدوار بود با حفظ یکپارچگی در نگرش، وحدت در رویه، تفاهم بر اصول و تعیین شتاب حرکت گامی مهم در رشد توسعه اقتصاد کشور برداشت. برنامه و اولویت‌های تعیین‌کننده‌ای که به آن می‌پردازم و به عبارت صحیح‌تر پیشنهاد می‌شود، کاملاً دست‌یافتنی و شدنی است. پیام دیگر این نوشتار این است که برای شتاب بخشیدن به رشد تولید و اقتصاد ملی، ما ناگزیر از انجام اصلاحات و اقدام در قالب‌های تعیین‌شده آن خواهیم بود و این اقدامات محصول یک کار جمعی و همدلانه خواهد بود.

#### ۱- بخش غیردولتی و الزامات آن

با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ و اصلاح و ابلاغ رویکردهای قانونی آن درگرمی و وسیعی در عرصه سازبگردان محـصنه اقتصادی کشور رخ داده است و در شرف تکمیل است. آن‌چه که باید در این فرآیندگذار ساختاری مورد توجه قرار بگیرد، صرفاً محدود به جابه‌جایی عناصر این عرصه نیست، بلکه هم‌زمان و ملازم با آن باید حجم زیادی از اقدامات پایه‌ای برای ظهور، بروز و بلوغ بنگاههای بخش غیردولتی در یک محیط اقتصادی کارآمد و رقابتی فراهم شود. به‌عبارت دیگر لازم است که در یک فرآیند زمانی مشخص و در این گذر ساختاری چترهای ترویجی، تشویقی و حمایتی متناسب با هر بخش شناسایی و به‌کار گرفته شود. می‌دانیم که بسیاری از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به‌ویژه در جنوب شرق آسیا، در طی دو یا ۳ دهه گذشته شرکت‌های کوچک و متوسط محلی بودند که زیر این چتر حمایتی مجال بروز و ظهور یافتند و به‌تدریج به بازارهای بین‌المللی سرک کشیدند. البته این چترهای حمایتی نامحدود نیست و باید بین حمایت‌گری محض و ایجاد محیطی رقابتی و انگیزشی تفاوت قایل شد.

لذا شرایطی برای اجرای دولت باید از مقررات گذار قوی به تسهیل و تشویق‌کننده محض تغییر جهت دهد. این تغییر نگرش را که باید به طور هم‌زمان با شروع اصلاحات ساختاری در قوانین و مقررات پیشین مبتنی بر برداشت دولت محصور همراه شود، باید به دنبال واگوی نقش‌های جدید خود به‌عنوان دولت توسعه‌گرا و ترویج‌گر باشد. برنامه‌های طرح تحول اقتصادی که سرآغاز آن برنامه هفتم‌سازی یارانه‌های انرژی بود، می‌تواند با استفاده از مکانیزم‌های خود انگیزشی و حمایتی در دوره گذار به حرکت به سوی تهیه پهنه انرژی در فرآیند تولید، در میان مدت علامت‌های بسیار مثبت و تعیین‌کننده‌ای برای حضور توان‌بخش غیردولتی در عرصه بازیگری اقتصادی به‌دست بدهد. اگرچه این نقش به یک ابزار روانی تعیین‌کننده برای تغییر قالب‌های رفتاری و نگرش‌ها وابسته است، لیکن در سطح عینی باید با بازنگری همه‌جانبه در قوانین و مقررات محیطی ناظر بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی همراه باشد.

#### ۲- سرعت گردش کار و کاهش هزینه‌ها

دو مؤلفه فوق‌کلیدی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده محیط کسب و کار در کشور است. این مؤلفه‌ها زمانی ملموس‌تر و عینی‌تر جلوه خواهد کرد، که آن را با سایر کشورهای مشابه مقایسه و تحلیل کنیم. مؤلفه‌های محیط کسب و کار به همه خدادهایی مرتبط است که طیف وسیعی از فرآیندهای تصمیم‌گیری را از زمان ظهور یک بنگاه تا مرحله اتمام فعالیت‌های اقتصادی آن شامل می‌شود. ثبت یک شخصیت حقوقی، اخذ مجوزهای مورد نظر برای شروع مرحله ساخت واحد، کیفیت دسترسی به خدمات عمومی و زیربنایی برای بهره‌برداری از یک بنگاه، نحوه دسترسی به منابع اعتباری در دوره ساخت و بهره‌برداری، نحوه اتصال به بازارهای ملی و بین‌المللی در عرصه تجاری‌سازی، رفتارهای

تعرفه‌ای و مالیاتی، نحوه رسیدگی به اختلافات حقوقی احتمالی حادث از جمله شاخص‌های قابل سنجش این مؤلفه‌ها را شامل می‌شوند. اگرچه در مساده ۷ قانون اصلاح اصل ۴۴ و برخی مواد مندرج در برنامه پنجم توسعه از جمله مواد ۶۲، ۶۹، ۷۰ و ۷۶ تکالیفی برای بهبود این مؤلفه‌ها پیش‌بینی شده است، لیکن هنوز باید به سوی جامعیت حرکت همه‌جانبه برای سیاست و شفافیت محیط اقتصادی گام‌های تکمیلی برداشته شود. بازنگری در قانون تجارت و آیین دادرسی تجاری به همراه یک نهاد هدایت‌کننده فرابخشی و ناظر از جمله این اقدامات تکمیلی است.

اهمیت و وزن این شاخص بقدری مهم و اثرگذار است که چنان‌چه سایر عوامل و شاخص‌های مؤثر را ثابت بگیریم، بهبود عملکردی شاخص فضای کسب و کار به تنهایی می‌تواند یک گام بزرگ و تعیین‌کننده برای رشد، پویایی و شکوفایی تولید ملی را فراهم نماید. بهبود وزن و شاخص‌های محیطی تعیین‌کننده فعالیت‌های اقتصادی در واپسین تحلیل موجب رشد سریع در ظهور و بلوغ بنگاه‌ها خواهد بود.

#### ۳- تدوین راهبردهای توسعه‌ای کشور

معلوم است که منابع مالی و فنی کشور محدود است و متناسب با مزیت‌های ذاتی و نسبی اقتصاد کشور باید این منابع تخصیص یافته و جهت یابند. منظور از تدوین راهبر، تولید مجدد ادبیات نظری نیست، بلکه تعیین و انتخاب اولویت‌های توسعه‌بخشی در عرصه صنعت و کشاورزی، تمرکز بر اولویت‌ها، هدایت صحیح منابع به سمت و سوی این اولویت‌ها بر

پایه یک برنامه زمانی میان مدت است. تدوین راهبر و اولویت‌های توسعه‌ای کشور، همان ترسیم نقشه عملیاتی توسعه و فعالیت‌های اقتصادی کشور در یک ظرف زمانی مشخص است. تاکنون برنامه‌های توسعه‌ای کشور از نبود چنین رویکردی رنج برده است. برنامه بدون راهبر توسعه، همانند حرکت بدون چراغ در یک محیط دید کم است. لذا اگرچه ممکن است در این فرآیند، حرکات رو به جلویی مشاهده و ردیابی شود، لیکن هزینه‌های اقدامات اقتصادی بالا، بهره‌وری پایین و سرعت در اجرا با کاهش مواجه خواهد بود. در این برنامه ۷ ویزگی تعیین‌کننده است. نخست معرفی اولویت‌های توسعه بخش‌های اقتصادی است، دوم معرفی و آرایه مشوق‌های هدایت‌کننده برای آن بخش‌ها است و سوم جمع و جهت دهی عمده منابع به سوی این هدف‌گذاری‌ها و اولویت‌ها است.

هم‌زمان با تدوین راهبردهای توسعه ملی و شناسایی اولویت‌های توسعه بخشی، بهبود محیط کسب و کار و شفاف‌سازی و سرعت بخشیدن به گردش کار شکل‌گیری و بلوغ بنگاه‌های اقتصادی، باید به دنبال تجهیز و تدارک منابع مالی لازم برای انجام طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای و هم‌چنین طرح‌های اقتصادی و تولیدی فعالان و بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی در کشور بود.

قاعده‌آ باید از شیوه‌های رایج و سنتی تأمین مالی فاصله گرفت. تجربیات خوبی در سال‌های گذشته به‌دست آورده‌ایم، اما هنوز گام‌های بیش‌تر و همه‌جانبه‌تری باید برداشته شود. کلیدی‌ترین موضوع در این میان مدلی از تأمین مالی است که بتواند موجب هم‌افزایی، ترکیب و تشدید منابع موجود مالی شوند. بهینه‌ترین مدل تأمین مالی، حرکت به سوی مشارکت منابع مالی بخش خصوصی و دولتی هم برای طرح‌های زیربنایی (دارای توجیه اقتصادی) و هم برای طرح‌های تولیدی (دارای توجیه مالی) است.

#### الف) طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای

طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای کشور تاکنون توسط منابع عمومی و یا تأمین مالی قرضی داخلی و خارجی و به‌وسیله دستگاه‌های اجرایی کشور تصدی شده است. محدودیت منابع این‌ حوزه و کاستی‌های تصدی‌گری موجب کاهش اجرا در تعداد طرح‌ها و بهره‌وری پایین آن‌ها بوده است.

در مدل مشارکتی برای طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای، منابع عمومی کشور باید به‌عنوان وام‌های ترجیحی (با کارمزد پایین) و حتی به صورت بلاعوض و تاسقف ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل منابع مورد نیاز یک پروژه وارد مدل مشارکتی شود تا بتواند حضور بخش غیردولتی را در این دسته منابع طرح‌ها به پذیر مالی کند. مابقی منابع مورد نیاز طرح‌ها می‌تواند تا سقف ۱۵ تا ۲۰ درصد توسط منابع بخش غیردولتی داخلی و خارجی و هم چنین ۴۰ تا ۵۰ درصد از بازارهای پولی و مالی داخلی تجهیز و وارد این مدل مشارکت اجرایی شود. در این صورت فرآیند ساخت و بهره‌برداری این دسته از طرح‌ها، هدایت و مدیریت آن‌ها توسط بخش غیردولتی انجام خواهد شد و پس از دوره بهره‌رداری با ترتیبات تعریف‌شده رایج، قابل واگذاری به دولت خواهد بود.

در این سازه، نقش دولت صرفاً طراحی و آماده‌سازی فنی طرح‌ها و مدل‌های مالی متناسب با آن و عرضه آن به صورت رقابتی به بازار خواهد بود. بدیهی است بسترهای مالی و حقوقی اطمینان بخش در صورت کاستی قوانین و مقررات جاری نیز باید تدارک شود. لذا تمامی طرح‌های توسعه‌ای و فرودگاه‌ها، طرح‌های بزرگ کشت و صنعت، مخابراتی و ارتباطی... می‌تواند در قالب این مدل تدارک و راه‌اندازی شود.

بر پایه معادله مالی فوق، دست کم طرح‌های این حوزه تا ۳ برابر به لحاظ تعداد افزایش خواهد یافت و اتمام و تکمیل طرح‌ها مطابق جدول زمانی پیش‌بینی‌شده از سرعت لازم برخوردار خواهد شد. البته توجه داریم که گسترش فعالیت این دسته از طرح‌ها که عمدتاً به طرح‌های عمرانی مشهور هستند، پیش‌نیاز فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور خواهند بود که در عین حال می‌توانند هزینه فعالیت‌های بنگاه‌های تولیدی کشور را هم کاهش دهند.

#### ب) طرح‌های تولیدی و اقتصادی کشور

در حوزه طرح‌های اقتصادی و تولیدی کشور، که عمدتاً در اختیار بخش غیردولتی قرار دارد، هم از مشکل مشابهی برخوردار است. این دسته از طرح‌ها نیز از فقدان الگوی روشن و اثربخش، هم از مشارکتی در تأمین مالی رنج می‌برد. در این انجام طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای و هم‌چنین طرح‌های اقتصادی و تولیدی فعالان و بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی در کشور بود.

و مابقی منابع مورد نیاز در صف استقراض از سایر منابع و عمدتاً منابع بانک‌های تجاری قرار گیرند. لذا اگرچه در نگاه نخست این طرح‌ها دارای توجیه مالی مناسبی هستند، اما متناسب با هر طرح، ریسک‌های تجاری طرح‌ها هم‌شان با نحوه تأمین اعتبار آن‌ها بالا می‌رود و تأمین مالی آن‌ها و نهایتاً بازپرداخت اقساط وام‌گیری مخاطره‌آمیز خواهد بود.

برای خروج از این چرخه بسته تأمین مالی، ابتدا باید الگوهای مشارکتی بخش خصوصی- خصوصی (داخلی- خارجی) ترویج شود. سپس منابع صندوق‌های توسعه‌ای نظیر، صندوق ملی، نهادهای مالی بازار سرمایه و منابع بانک‌های تجاری باید در کنار مدل مشارکتی خصوصی- خصوصی در یک بسته هماهنگ و متعادل وارد شده تا ضمن تأمین مالی مشارکتی و بخشی هر طرح، مخاطرات تجاری هر طرح را برای تأمین‌کنندگان مالی آن کاهش دهند.

در این میان یک خلأ نهادی برای مدیریت کل گردش کار این دسته از طرح‌ها وجود دارد. خلأ نخست لزوم ترویج و اشاعه این مدل مشارکتی است که این وظیفه مهم بر عهده اتاق‌ها، تشکل‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای بخشی است. خلأ دوم به نهاد متولی ارزیابی طرح‌ها و پذیرش نقش توسعه‌گری، در این حوزه تا ۳ برابر به لحاظ تعداد افزایش خواهد یافت و اتمام و تکمیل طرح‌ها مطابق جدول زمانی پیش‌بینی‌شده از سرعت لازم برخوردار خواهد شد. البته توجه داریم که گسترش فعالیت این دسته از طرح‌ها که عمدتاً به طرح‌های عمرانی مشهور هستند، پیش‌نیاز فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور خواهند بود که در عین حال می‌توانند هزینه فعالیت‌های بنگاه‌های تولیدی کشور را هم کاهش دهند.

چنان‌چه این الگوهای مشابه تأمین مالی برای هر دو حوزه زیربنایی توسعه‌ای و تولیدی -اقتصادی- اجرایی شود، آنگاه می‌توان از جلب و جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی با هدف تجهیز منابع جدید، ورود فن آوری و دسترسی به بازارهای بین‌المللی و... سود برد و مدل مشارکت داخلی - داخلی به مدل مشارکت داخلی - خارجی برای حمایت از رشد و توسعه تولید ملی تغییر جهت یابد. در عین حال پیاده‌سازی و اجرای چنین الگوهایی به خودی‌خود موجب بروز ثبات رفتاری و مقررات حقوقی حاکم بر فضای سیاست‌گذاری توسعه‌ای کشور و قوانین ومقررات جاری خواهد بود، به گونه‌ای که در چشم‌اندازهای مبتنی بر طول عمر یک پروژه مناسبات قراردادی حاکم به ناگزیر ثابت خواهد ماند تا تصویری درازمدت و با ثبات به شرکت مدیریت پروژه به‌دست بدهد.

#### ج) بهره‌گیری از الگوی قرضی- مشارکتی

اگرچه الگوی پیشنه‌های رایج تأمین مالی غالب، مدل مشارکتی دولتی - خصوصی است، لیکن هنوز استفاده از الگوهای جدیدتر تأمین مالی قرضی - اسلامی مورد نیاز است. یکی از این الگوهای رایج، صدور اوراق مشارکت ارزی و پارایالی (صکوک) است. این الگو هم برای طرح‌های توسعه‌ای- زیربنایی و هم برای طرح‌های اقتصادی- تولیدی قابل تسری است. هدف غایی، تجهیزمنابع مالی صرف برای این دسته از بنگاه‌ها و یا طرح‌ها نیست، بلکه خروج تقاضای بنگاه‌ها و



طرح‌های بزرگ و متوسط از گردونه تجهیز منابع سنتی قرضی است. امروز بخش عمده و قابل توجه شرکت‌های بزرگ و متوسط کشور می‌توانند به اتکای ظرفیت‌های اقتصادی و گردش مالی خود به طور مستقیم و از طریق این ابزار به بازارهای جدید تأمین مالی از طریق صکوک دسترسی پیدا کنند. این مدل تأمین مالی ساختار یافته (بدون تضمین دولت) که به اتکای توجیه‌پذیری طرح‌های اقتصادی و تراز مثبت مالی آن‌ها وارد بازار مالی و پولی می‌شوند، در عین حال می‌تواند شفافیت عملکرد اقتصادی بنگاه و طرح را در نزد مؤسسات رتبه‌سنجی و خریداران اوراق ارتقا دهد.

برای نیل به حداکثر مطلوبیت و بهینه‌سازی این رفتار، داشتن یک رتبه‌اعتباری مطلوب برای اقتصاد خصوصی در یک به‌عنوان پیش‌نیاز تلقی می‌شود. به عبارت دیگر رتبه اعتباری کشور که معیار (Benchmark) صدور اوراق از سوی دولت محسوب می‌شود و رتبه ریسک اعتباری کشور بر آن اساس سنجیده خواهد شد و به‌طور طبیعی نرخ صدور اوراق مشارکت ارزی را رقم می‌زد، مقدمه‌ای برای اخذ رتبه اعتباری برای بنگاه‌های بزرگ و متوسط کشور خواهد بود. لذا نقطه عزیمت حرکت بنگاه‌ها برای اخذ رتبه اعتبار اختصاصی خود، نقطه معیار اعتبار کشور است، که این خلأ باید برای اوراق مشارکت ارزی خارجی شود.

#### ۵- بازنگری در نقش و کارکردهای استان‌ها و اتاق‌ها

چنان‌چه هدف‌گذاری کمی برنامه توسعه برای نیل به نرخ رشد ۸ درصدی را مبنا قرار دهیم، لذا متناسب با برنامه‌های به شمرده شده در بالا، باید متناسب با هر بخش در سطوح ملی، جایگاه هر استان کشور را برای نیل به این نرخ رشد و متناسب با سهم موجود هر یک در خلق تولید ملی اندازه‌گیری و تعریف کنیم. اگرچه استان‌های کشور در سنوات اخیر از استقبال نسبی در تخصیص هزینه‌های عمومی برخوردار شده‌اند، اما کاستی‌های موجود تأمین مالی در هر دو حوزه زیربنایی و تولیدی در استان‌ها هم قابل ردیابی است. همانگونه که تخصیص و تزریق ۳۰ تا ۴۰ درصدی منابع عمومی باید بتواند کل بسته تأمین مالی طرح‌های زیربنایی در کشور را عملیاتی کند، این مدل هم باید در کلیه استان‌های کشور تسری یافته و به یک قاعده منظم رفتاری تبدیل شود. در حوزه طرح‌های تولیدی - اقتصادی هم باید سهم منابع قابل تخصیص از صندوق توسعه ملی متناسب با سهم و شأن آن‌ها در دسترسی به نرخ رشد اقتصاد با توزیع شود.

بدیهی است در این حالت، هم لازم است نقش کارکرد و اختیارات مدیران استانی ذی‌ربط برای ایفای این مسؤولیت‌های تعریف‌شده کمی، افزایش یابد و هم برای استان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته کشور، مدل‌های انگیزشی مالی و پولی مناسب‌تری برای فعالیت‌های بخش غیردولتی تعریف و آرایه داد.

در حوزه عملکردی اتاق‌ها، تشکل‌ها و اتحادیه‌های تخصصی بخشی نیز باید متناسب با رویکردهای جدید تعریف‌شده، کار کردها و نقش‌ها تغییر جهت یابند. این دسته از تشکل‌ها

باید هم‌زمان با این تحولات ۳ کارکرد اصلی را به عهده بگیرند. نخست کمک به شناسایی، طراحی و تبیین طرح‌های جدید اقتصادی - تولیدی و تعریف چارچوب‌های فنی، مالی، حقوقی و آرایه این دسته از خدمات به مثابه یک الگوی واحد و مشابه برای کلیه فعالان این حوزه است.

دوم ترویج و پیاده‌سازی مبادلات ساده کالایی- تجاری توسط بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه آن دسته از بنگاه‌هایی است که به تجارت خارجی و واردات کالاهای واسطه‌ای، مصرفی و سرمایه‌ای اشتغال دارند به یک فرآیند طولانی مدت تبدیل به تولید داخلی است و سوم بر عهده گرفتن نقش و بازوی مشورتی فعال و سازنده با ارکان حاکمیت به‌ویژه دولت برای انجام وظایف دوگانه فوق و اجرایی کردن آن‌ها است.

#### ۶- الگوی تبدیل تجارت به سرمایه‌گذاری

همانگونه که اشاره شد الگوی تبدیل تجارت سنتی و ساده‌مبتنی بر مرادفات کالایی صرف به روابط بلندمدت سرمایه‌گذاری امروز مدلی رایج در جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. اگرچه تجربیات پراکنده‌ای از این رفتار در سنوات اخیر در اقتصاد کشور رخ داده است، لیکن هنوز به یک الگوی دائمی با رفتار فراگیر تبدیل نشده است.

در حال حاضر حجم عظیمی از کالاهای صنعتی، واسطه‌ای، قطعات، تجهیزات، مواد مصرفی و خدماتی از طریق نمایندگی‌های ایرانی شرکت‌های خارجی و یا به طور مستقیم به بازار عرضه می‌شود. برخی از این کالاهادر دهه‌های متممادی حجم منتهایی از تقاضا و بازار داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. بدیهی است یکی از فرآیندهای پایدار و اثرگذار، تبدیل این وضعیت به فرصت‌های تولیدی در اقتصاد کشور است. فرض این است که مزیت‌های ذاتی اقتصاد ملی به همراه سابقه حضور در بازار داخلی به اندازه کافی علامت‌های مثبت برای تبدیل این چرخه به‌دست می‌دهد، اما کافی نیست.

روشن است که هم‌زمان با مرئیت‌های کافی از حقوق مصرف‌کننده، باید شرایط ورود این دسته از کالاهای به اقتصاد کشور از شرایط سهل کنونی خارج شود و در عین حال مزیت‌ها و مشوق‌های ویژه‌ای را برای تبدیل این چرخه آرایه دهیم. اگرچه اعلام علایم مثبت و چگونگی این تغییرات را باید در الگوی توسعه صنعتی و کشاورزی کشور پیش‌بینی کنیم، لیکن نقش و کارکرد مؤثر و مثبت کارگزاران داخلی این دسته از شرکت‌ها و کالاهای خارجی و بالا بردن ظرفیت‌های مذاکره و چانه‌زنی برای تبیین این چرخه نقش اساسی ایفا خواهد کرد.

اگرچه بسته دادرسیم در الگوهای جدید جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مدل کارکردی مناسبی را برای این موضوع آرایه دهیم، لیکن در کوتاه مدت، نقش اتاق‌ها و انجمن‌های صنفی و تخصصی برای سازماندهی مجدد این رفتارها و تبدیل آن به یک هنجار اقتصادی به‌ویژه در نزد شرکای داخلی کالاهای خارجی کارگشا خواهد بود.



**هم‌زمان با مرئیت‌های کافی از حقوق مصرف‌کننده، باید شرایط ورود کالاهای صنعتی، واسطه‌ای، قطعات، تجهیزات، مواد مصرفی و خدماتی از طریق نمایندگی‌های ایرانی شرکت‌های خارجی به اقتصاد کشور از شرایط سهل کنونی خارج شود و در عین حال مزیت‌ها و مشوق‌های ویژه‌ای را برای تبدیل این چرخه آرایه دهیم**

#### ۷- طراحی برخی نهادهای مالی تکمیلی

یکی از خلأهای نهادی کشور وجود شرکت‌های قوی، حرفه‌ای و مستقل تبه‌سنجی مشتریان- بنگاه‌های اقتصادی است. این شرکت‌ها باید وظیفه مهم ارزیابی دقیق نرخ ریسک (مخاطرات) اقتصادی و مالی هر بنگار را بر پایه پیشینه عملکردی آن‌ها به بازار عرضه کنند و همراه با آن، متناسب با نرخ ریسک بنگاه‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای داخلی، پوشش بیمه‌ای خویش را برای بنگاه‌های اقتصادی به تأمین‌کنندگان منابع مالی آرایه دهند. در حال حاضر هر دو این وظایف بر عهده بانک‌های تجاری است که موجب شده است فرآیند تأمین مالی را سخت، پیچیده و پرهزینه کند.

#### کلام پایانی

اگر چه می‌توان فهرست اقداماتی مبتنی بر این برنامه عمل را طولانی‌تر کرد، اما به نظر می‌رسد، بازنگری و حدوث پیشنهادهات فوق، به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهایی هستند که بیش‌ترین تراکنش را به لحاظ تأثیرگذاری و حوزه شناسان مجموعه و طبیعی از متغیرهای مذکور، که با تغییر رویکردهای برنامه‌ای، بهبود فضای کارآفرینی، تجهیز منابع مالی و بازیگری در نقش و ساختارهای نهادهای ذی‌دخل اقتصادی همراه بود، به خودی خود علایم تعیین‌کننده‌ای را برای همه بازیگران عرصه سیاسی و اقتصادی کشور به‌دست می‌دهند که ضرابان مبانی پینشی و رفتارهای سیاسی خویش را برای حرکتی شتابان در عرصه اقتصاد همساز و ارتقا‌دهنده، لذا با ورود این دسته از متغیرها به عرصه اقتصاد کشور، ظرفیت تعاملات در حوزه سیاسی منظم‌تر و از عمق بیش‌تری برخوردار خواهد شد و در عین دیپلماسی اقتصادی کشور در قالب برنامه عمل اقتصادی به سوی نیل در مثنی بین‌المللی و یافتن حوزه‌های نفوذ جدید و همکاری متقابل میل پیدا خواهد کرد.





# بررسی و ارزشیابی اصول بنیادین حاکم بر طرح برگزاری مناقصات

مقدمه

طرحی را که توسط مجلس شورای اسلام برای برگزاری مناقصات تهیه کرده، در صورت تصویب، جایگزین بخش سوم از فصل دوم قانون محاسبات(مواد ۷۹ تا ۸۹)مصوب ۱۳۶۶/۶/۱۰ و آیین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹ و اصلاحیه‌های بعدی آن و آیین‌نامه برنده مناقصه مصوب ۱۳۵۴ با اصلاحیه‌های بعدی آن خواهد گردید. لذا جا دارد این طرح از ابعاد مختلف مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.نظر به این که بخش عمده‌ای از مناقصه‌ها مربوط به کارهای عمرانی، ساختمانی و تأسیساتی است، در این مقاله طرح مورد بحث را از این منظر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم و به منظور رعایت اختصار اشارات‌ای به جایگاه مناقصه در کارهای عمرانی می‌کنیم و سپس به تبیین اصولی که به نظر، رعایت آن‌ها در مقررات مناقصه الزامی است، می‌پردازیم. آن گاه مقررات موجود مناقصات(قانون و آیین‌نامه‌های فوق‌الذکر) و طرح جدید را با اصول مزبور می‌سنجیم.

۱- جایگاه مناقصه در روند ساخت

مناقصه یکی از مهم‌ترین مراحل اجرایی یک پیمان و از یک نظر مهم‌ترین مرحله آن است. در این مرحله، پیمانکاری که از نظر کارفرما صالح‌ترین و مناسب‌ترین عامل برای اجرای پیمان است، برگزیده می‌شود. این گزینش به شیوه‌های مختلف و براساس مقررات گوناگون امکان‌پذیر است؛ولی در هر حال برای رسیدن به هدف مورد نظر باید اصول معینی در آن رعایت شود و به هر میزان که اصول مزبور بیش‌تر رعایت شده باشد، امکان انتخاب پیشنهاد اصلح بیش‌تر فراهم خواهد گردید. در کارهای عمرانی دولتی که از نوع معاملات «دولتی- خصوصی» محسوب می‌شوند، به دلایل زیر تدوین مقررات مناقصه از اهمیت و حساسیت بیش‌تری برخوردار است و آن را از مقررات معامله «خصوصی-خصوصی» متمایز می‌کند و پیش‌بینی‌های خاصی را ضروری می‌سازد:
۱- کارهای دولتی، بخش بسیار زیادی از سازندگی کشور را تشکیل می‌دهند و عمل‌آر‌وش تدوین شده برای مناقصه در این بخش در شکل‌گیری فرهنگ حاکم بر جامعه سازندگی کشور تأثیر تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

۲- معامله از نوع معاملات «دولتی-خصوصی» است؛یعنی واگذارنده این مناقصه کارفرمای اصلی(بودجه عمومی) است؛در حالی که پیمانکار مستقیماً در معامله ذی‌نفع است.

۳- پیمانکار از عین حال که یک طرف قرارداد است، خود نیز جزو سرمایه‌های ملی کشور تلقی می‌شود و حفظ و حراست آن موجودیت او نیز از وظایف طرف دیگر قرارداد (منافع ملی جامعه)محسوب می‌شود.

۴- معاملات «دولتی-خصوصی» به‌طور طبیعی نسبت به معاملات «خصوصی-خصوصی» نقطه‌ضعف‌هایی دارند که پوشش آن‌ها همراه با تأمین اختیارات واگذارنده کار و حائلت منافع عمومی جامعه در انتخاب

پیشنهاد اصلح لازم است.

۵- با توجه به این‌که مراجع رسیدگی‌کننده به حسن اجرای مقررات خود بخشی از دستگاه دولت محسوب می‌شوند، یعنی نظارت غیردولتی در مقررات مناقصه لازم است.

۶- در حال حاضر فرهنگ مخرب و بازاردن‌های که ناشی از غلل مختلف، از جمله ضوابط نارسای موجود است، بر سازندگی کشور حاکم است که عوارض آن به صورت تأخیر در اجرای پیمان‌ها، ان‌زوال کیفیت کار‌ها، فساد اداری، افزایش هزینه و هدر رفتن سرمایه ملی و غیره به چشم می‌خورد. بالطبع اصلاح فرهنگ موجود و هدایت نیروهای سازنده به سوی صلاح و تأمین شگوفایی و بالندگی توسعه کشور، وظایف مستغنی هستند که بر عهده ضوابط و مقررات جدید که یکی از مهم‌ترین آن‌ها قانون مناقصات است، نهاده می‌شوند و باید در این مورد نیز پیش‌بینی‌های لازم به عمل آید.

۲- اصول بنیادی مقررات بر گزاری مناقصه

برای انتخاب پیشنهاد اصلح، فارغ از مقررات اداری برگزینی مناقصه که در جای خود برای تأمین سلامت آن لازم و مهم است، رعایت برخی اصول بنیادی به عنوان پیش‌نیاز ضرورت دارد که اهم آن‌ها در ذیل آورده می‌شود:

۱- امکان وادار شدن شرایط فنی-اجرایی بایند امکان مشارکت در مناقصه را داشته باشند؛

۲- پیشنهاددهندگان باید آگاهی کاملی از کم و کیف کار داشته باشند تا از کلیه امتیازات حاصل از توانایی‌ها و امکانات اجرایی خود در تنظیم و ارایه پیشنهاد استفاده کنند؛

۳- کارفرما وسایل و معیارها و امکانات لازم را برای سنجش پیشنهادها و تشخیص پیشنهاد اصلح و مناسب در اختیار داشته باشد.

بدیهی است اهداف بنیادی فوق را می‌توان به شیوه‌های مختلف در مقررات مناقصه رعایت و منعکس کرد؛ولی به هر حال چنان‌چه هر کدام از آن‌ها نقض یا تضعیف گردد، و بنا بر ضوابط مزبور با معیارهای ذکر شده به شرح است:

۳- بررسی قوانین و آیین‌نامه‌های موجود مناقصه براساس اصول مندرج در بند(۳)

بررسی مواد(۷۹)الی(۸۹)قانون محاسبات عمومی کشور تحت عنوان معاملات دولتی» و آیین‌نامه‌های مرتبط با آن نشان می‌دهد که ضوابط مزبور به‌طور کلی براساس اصول و معیارهای مندرج در بند(۳) این نوشتار تدوین نشده‌اند و لذا طبیعی است که انتخاب مناسب‌ترین پیشنهاد براساس آن‌ها امکان‌پذیر نباشد. همه موارد تضاد و تباین ضوابط مزبور با معیارهای ذکر شده به شرح است:

۱- امکان حضور همه واجدان شرایط فنی-

اجرایی در مناقصه:

طبق ماده(۷۹)قانون محاسبات عمومی کشور، در مواردی که اجراکننده یک مؤسسه دولتی، شرکت دولتی، نهاد عمومی غیردولتی، مؤسسات تابعه آن‌ها و شرکت‌های تعاونی باشد، بر گزاری مناقصه لازم نیست. نتیجه این استثنائ آن است که در معاملات فوق اصولاً شرکت‌ها و مؤسسات بخش خصوصی حضور ندارند و توانایی‌های آن‌ها مورد سنجش قرار نمی‌گیرد تا مناسب‌ترین پیشنهاد به معنای واقعی کلمه برگزیده شود. بانگاہی به تشکیل و گسترش انواع و اقسام شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت که به‌ویژه در سال‌های بعد از انقلاب به‌وجود آمده‌اند و امروزه بیش از ۸۰ درصد کل کارهای اجرایی کشور را در دست دارند، مشخص می‌شود که قانونگذار اصولاً اعتدای به گزینش پیشنهاد اصلح از طریق مناقصه نداشته است.

۲- آگاهی‌های پیشنهاد دهنده از کم و کیف کار و انگیزه بروز توانایی‌ها و امکانات او در تنظیم پیشنهاد:

موضوع این بند، جداگانه از دو جنبه مقدار کار و قیمت واحد، ردیف‌های کار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- طبق بند(۲) از ماده(۱۰) آیین‌نامه معاملات دولتی، دستگاه مناقصه‌گزار می‌تواند تعداد کار را تا ۲۵ درصد افزایش یا کاهش دهد. در این بند، افزایش یا کاهش تعداد هر قلم یا ردیف از کار، در حالتی که کار از اقلام مختلف تشکیل شده باشد، تصریح نشده است؛در حالی که چنین شرطی لازم است؛ زیرا اگر غیاز این بود، افزایش یا کاهش روی مبلغ کل پیمان قبض می‌گردید. بنابراین طبق آیین‌نامه پیشنهاددهنده از نظر تعداد کار از میزان تعهد خود در ردیف در محدوده ۲۵ درصد اگاه است، در آیین‌نامه مناقصه سازمان برنامه و بودجه سابق نیز که به کارهای عمرانی اختصاص دارد، اعمال ضریب متوسط تخفیف یا اضافه پیشنهاد پیمانکار مورد افزایش یا کاهش مقادیر کار در ردیف‌های مختلف به‌طور یکسان عمل شود؛وگرنه ضریب تخفیف یا اضافه تغییر می‌کند. حال می‌بینیم که طبق ماده(۲۹) شرایط عمومی پیمان، کارفرما حق دارد مقادیر کار در هر ردیف را تا حد ۲۵ درصد کل مبلغ پیمان تغییر دهد یا ردیفی را حذف یا ابلاغ کند و پیمانکار مکلف به اجرای کار براساس تخفیف یا اضافه متوسط زمان مناقصه است. به این ترتیب مقادیر اولیه کار در هر ردیف عملاً هیچ‌گونه اعتباری ندارد و پیمانکار بدون آگاهی از تعداد واقعی کار باید پیشنهاد خود را از ارایه دهد. با اعمال این شرط اولاً پیمانکار نمی‌تواند عامل بسیار مهم تعداد کار را در محاسبات خود منظور کند و ثانیاً چنان‌چه امکانات خاصی در اجرای یک ردیف معینی از کار داشته باشد، چون از انجام آن ردیف اطمینان ندارد، انگیزه‌ای برای اعمال آن امتیاز در محاسبات خود نخواهد داشت.

۲-۲- پیشنهاد دهند که حداقل قیمت تمام شده هر ردیف از کار را با توجه به مقدار آن، شرایط، امکانات محلی، توانایی‌ها و تجهیزات اجرایی خود در محدوده تغییرات مجاز محاسبه و در پیشنهاد خود منظور می‌کند. باید اطمینان داشته باشد که قیمت پیشنهادی او برای آن ردیف ملاک پرداخت خواهد بود؛وگرنه همه محاسبات او بی‌حاصل خواهد شد. طبق مواد(۲۳)و(۲۴) آیین‌نامه معاملات دولتی، کمیسیون مناقصه برای تعیین پیشنهاد برنده فقط کم‌ترین بهای پیشنهاد شده برای کل کار را ملاک انتخاب قرار می‌دهد و توجهی به ریز قیمت‌ها ندارد.

این روش فقط در حالتی می‌تواند معتبر باشد که با مقادیر کار تغییر نکند یا کلیه ردیف‌های کار به یک نسبت تغییر کنند. در غیراین صورت ممکن است پیشنهاد اولیه پس از اعمال تغییرات غیرهمگن جایگاه خود را به عنوان حداقل از دست بدهد. این موضوع در آیین‌نامه معاملات دولتی مسکوت است و ظاهراً به عهده سایر اسناد و مدارک قرارداد محول شده است؛ولی در بند(ب) از ماده(۴) آیین‌نامه تعیین برنده مناقصه، قید شده است که «پس از انتخاب برنده مناقصه به شرح فوق براساس کل مبلغ پیشنهادی ضریبی به عنوان تخفیف یا اضافه از تقسیم پیشنهاد برنده مناقصه برآورد مناقصه‌گزار که جزو اسناد مناقصه است به دست می‌آید و این ضریب به کلیه ردیف‌های فهرست بهای منضم به اسناد مناقصه اعمال و به پیمانکار پرداخت می‌گردد.» علاوه بر این در اصلاحیه ماده(۷) آیین‌نامه تعیین برنده مناقصه قید شده است که در کارهایی که برای آن‌ها فهرست بهای پایه وجود دارد، این فهرست بها باید به عنوان فهرست بهای منضم به اسناد مناقصه به کار رود و طبق دستور العمل جاری در این خصوص، بنابر این طبق ابلاغ شود، براساس قیمت پایه و با اعمال ضریب مزبور پرداخت خواهد شد. به این ترتیب عملاً تمام زحمات و مطالعات پیمانکار برای محاسبه قیمت ردیف‌های کار می‌جاصل می‌گردد و در حقیقت هیچ پیمانکاری، کاری را با قیمت‌های پیشنهادی خودش اجرا نمی‌کند و می‌توان گفت که تشریفات مناقصه صرفاً جهت انتخاب پیشنهادی می‌شود که در حین اجرا هیچ کدام از ارکان آن مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. موضوع تغییر مقادیر و نوع کار و هم‌چنین روش اعمال قیمت‌های پایه در حین اجرا، دانسته و عوارض بسیار وسیعی دارد که شرح کامل آن از حوصله این مقاله خارج است.

۳- بهرهمتنی مناقصه‌گزار از معیارها و وسایل و امکانات لازم برای سنجش و تشخیص پیشنهاد اصلح؛ دیدیم که طبق آیین‌نامه‌های موجود، دو شرط اصلی لازم برای نتیجه‌گیری صحیح و منطقی از مناقصه حاصل نمی‌شود؛یعنی نه همه واجدان شرایط در مناقصه وارد می‌شوند و نه همه پیشنهادهای ارایه شده توسط شرکت‌کنندگان به‌طور همه‌جانبه با همدیگر مقایسه می‌گردند. حال ببینیم طبق بیان آیین‌نامه‌ها اصولاً کمیسیون مناقصه می‌تواند پیش‌بینی و تشخیص پیشنهاد اصلح را در اختیار دارد یا خیر. در ماده(۲۳) آیین‌نامه معاملات دولتی آن ذکر و در تبصره(یک) همین ماده پیش‌بینی شده است که مناقصه‌گزار در مواردی که میسر تشخیص دهد، حذف شاخص قیمت‌های مناقصه را به‌طور مرحانه در اختیار کمیسیون مناقصه قرار خواهد داد. ماده(۲۱) نیز حضور مأمور فنی در برخی از کمیسیون‌های مناقصه را ضروری دانسته و ماده(۲۵) شرط انتخاب برنده مناقصه در این موارد را به تأیید مأمور فنی فوق‌الذکر موکول کرده است. در آیین‌نامه تعیین برنده مناقصه که به کارهای عمرانی اختصاص دارد، موضوع روش تعیین عدالت‌ها بودن قیمت‌های پیشنهادی از اختیار و وظایف مناقصه‌گزار و کمیسیون مناقصه خارج شده و به فارس پایه که اصولاً نمی‌تواند به تمام کار‌ها در همه جای کشور اشراف داشته باشد، محول گردیده است و برای این که انحراف و تخلف از حدود معینی خارج نشود، شرط پذیرش برنده مناقصه به عدم تجاوز از ۱۰ درصد فهارس پایه محدود گردیده است. در این آیین‌نامه اصولاً به بررسی قبلی مهندسان مشاور یا هر مقام ذی صلاح دیگر در مورد شرایط محلی کار، ساده یا پیچیده بودن آن و اعمال نتایج بررسی در ردیف ملاک پرداخت خواهد بود؛وگرنه همه محاسبات او بی‌حاصل خواهد شد. طبق مواد(۲۳)و(۲۴) آیین‌نامه معاملات دولتی، کمیسیون مناقصه برای تعیین پیشنهاد برنده فقط کم‌ترین بهای پیشنهاد شده برای کل کار را ملاک انتخاب قرار می‌دهد و توجهی به ریز قیمت‌ها ندارد.

می‌دهند، اصولاً توجهی به تجزیه و تحلیل و مطالعات اولیه پیشنهاددهنده نمی‌شود (در آیین‌نامه چنین وظیفه‌ای تعریف نشده است) و بعد از عقد قرارداد‌ها نیز کلیه اسناد مزبور کنار گذاشته می‌شوند (مستندسازی معمولی نیز پیشنهاددهندگان هم انگیزه‌ای برای بررسی نمی‌شوند) پیشنهاددهندگان باید انگیزه اعمال امکانات و امتیازات خاص خود را تنظیم پیشنهاد داشته باشد و این مهم حاصل نخواهد شد؛مگر این که اولاً برای تفکیک مناقصه‌ها به یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای ضابطه‌ای تنظیم شود که در آن مناقصه‌های یک مرحله‌ای به حداقل برسند و مناقصه‌های دو مرحله‌ای به دو بخش ساده و پیچیده تقسیم گردند و ثانیاً در تمام مناقصه‌ها، اعم از یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای، کمیسیون موظف باشد رأساً یا براساس نظر کمیته فنی کیفیت پیشنهادها را بررسی کند و در انتخاب برنده مناقصه دخالت دهد.

۴- عدم پاسخگویی مناقصه‌گزار به شرکت‌کنندگان در مناقصه در صورت رد پیشنهاد آن‌ها

موضوعی که همه متدرجات آیین‌نامه معاملات دولتی را عملاً از اعتبار می‌اندازد، بند(۴) از ماده(۱۰) آن آیین‌نامه است که در آن دستگاه مناقصه‌گزار در رد یک یا کلیه پیشنهادها بدون ارایه دلیل مختار شناخته شده است. درست است که طبق قوانین کشور پیشنهاد دهنده می‌تواند به مقامات بالاتر یا حتی به سایر مراجع ذی صلاح شکایت کند؛ولی عملاً صلاح را در این می‌یابد که در مقابل خواسته‌های مناقصه‌گزار تمکین کند و از همین جا راه‌های انحراف و فساد گشاده می‌شود. چنین شروط و تعهدات و اختیارات یک جانبه‌ای هیچ‌گاه نتیجه‌ای جز فساد و آسیب زدن به منافع ملی و عمومی در پی نداشته و نخواهد داشت. به‌طور کلی می‌توان گفت که آیین‌نامه‌های موجود اصلاً در جهت اصول مندرج در بند(۳) این مقاله که به نظر ما ضامن سلامت واقعی مناقصه‌ها رهند و شگوفایی کارهای عمرانی، ا نقای سطح کیفی کار‌ها، پرورش نیروهای صالح، سالم، کارآمد و سازنده و ایجاد انگیزه برای بروز خلاقیت‌ها هستند، تنظیم نشده‌اند و لذ نمی‌توانند پای و اساس انتخاب پیمانکار مورد نیاز برای دوران توسعه‌یاب‌دار کشور قرار گیرند. در عمل نیز می‌بینیم که به علت اصرار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بر حفظ ظاهر آیین‌نامه‌ها برخی از دستگاه‌های دولتی هر کدام به نحوی روش‌های دیگری را برای مناقصات خود تدوین و اجرا می‌کنند. بنابراین به نظر ما چاره‌ای جز اصلاح بنیادی مقررات بر گزاری مناقصه باقی نمی‌ماند.

۴- بررسی طرح جدید برگزاری مناقصات براساس اصول مندرج در بند(۳-۱) امکان حضور همه واجدین شرایط فنی-اجرایی در مناقصه‌ها

ماده(یک) این طرح با تفصیل کامل، تمام سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و نهاده‌ا را به‌طور یکسان موظف به اجرای قانون مناقصات در معاملات خود می‌کند و معاملاتی را هم که از نظر اهمیت نیاز به مناقصه ندارند، تقریباً همان‌گونه که در قانون معاملات موجود تعیین شده‌اند، از انجام مناقصه معاف می‌دارد. این ماده از طرح، عملاً اصل شماره(یک)بنیادی مندرج در بند(ب) این مقاله را تأمین می‌کند؛ولی از نظر اجرایی نیازمند پذیرش واقعی و عملی سازمان‌ها و نهادهای مندرج در این ماده است که تاکنون طبق قانون محاسبات عمل می‌کردند. بنابراین باید گفت اجرای این ماده بستگی به عزم ملی و حمایت دستگاه‌های مختلف دارد.

۴-۲- آگاهی کامل پیشنهاددهندگان از کم و کیف کار و انگیزه بروز توانایی‌ها و امکانات آن‌ها در تنظیم پیشنهاد

همان‌گونه که به‌طور ضمنی در بررسی آیین‌نامه‌های موجود توضیح داده شد، رعایت کامل این اصل نیازمند اصلاح ضوابط دیگر، مانند شرایط عمومی پیمان و دستور العمل‌های فهارس بهای پایه است؛ولی در قانون مناقصات نیز باید از منظور کردن مسیرهای انحراف‌پذیری خودداری شود. در این نظر طرح جدید نیز نقاط ضعفی دارد که احتمالاً ذکر می‌شود.

۴-۱-۲- روش تقسیم مناقصه‌ها به یک

شفاف سازی مناقصات: نیاز اساسی حمایت از سرمایه و کار ایرانی

برگرفته از نشریه مجلس و پژوهش- شماره ۹۳

مهندس قیاد میزانی / کارشناس امور فنی -اجرایی



و متوسط که کمیته فنی وجود ندارد، همان‌گونه که در حال حاضر رایج است، پیشنهادها با برآوردهای غیرواقعی و غیرموجه مبتنی بر قیمت‌های پایه سنجیده خواهند شد و مشکلات موجود ادامه خواهند یافت.

۴-۴ مستندسازی

موضوع مستندسازی که در ماده(۲۴) طرح مطرح شده، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و از نقاط قوت این طرح به شمار می‌رود. متنها اگر غرض از مستندسازی فقط نگهداری اسناد و مدارک مناقصه در پایگانی‌ها باشد، راه به جایی نخواهد برد و به تدریج کنار گذاشته خواهد شد. مستندسازی هنگامی مفید خواهد بود که در جریان اجرای پیمان چنان‌چه مشکلی پیش آید که نیاز به آگاهی ا واقعیت‌های زمان مناقصه شود، بتوان به آن‌ها مراجعه و از آن‌ها استفاده کرد. می‌دانیم که یکی از مدارک اصلی منضم به پیشنهاد مناقصه گران تجزیه و تحلیل قیمت‌های مهم قراردادهاست. این تجزیه و تحلیل‌ها علاوه بر این‌ که در هنگام بررسی فنی پیشنهادها باید به دقت رسیدگی شوند، در حین اجرا نیز چنان‌چه تغییری اساسی در شرایط کار به وجود آید، می‌توانند و باید به‌عنوان راهنمای کارفرمایان و پیمانکاران برای پیدا کردن راهکاری برای حل مشکل به کار روند. بنابراین شایسته است در ذیل ماده(۲۴) به کاربرد مستندسازی نیز اشاره شود.

۴-۵- هیأت رسیدگی به شکایات

در ماده(۷) طرح جدید حضور یک هیأت برای رسیدگی به شکایات پیش‌بینی شده است. ترکیب هیأت از نظر اصولی و رعایت حقوق مناقصه‌گزار و مناقسه‌گر منطقی است و وظیفه‌ای که در ماده(۸) برای این هیأت منظور شده، حاکی از جایگاه قوی آن در مناقصات است؛ اما شرط انجام دادن وظایف محوله به هیأت، مشارکت جدی، مؤثر، آگاهانه و بی‌طرفانه تشکل‌های صنفی در رعایت مفاد قانون خواهد برد؛ زیرا تشکل صنفی‌ای که حضور نماینده او در جلسه مناقصه در بند(۳) ماده(۱۹) به هنگام گشایش پیشنهادها مطرح شده، به‌طور طبیعی می‌تواند مناسب‌ترین و صالح‌ترین نماینده مناقصه‌گر باشد و به‌عنوان یک عامل مدنی بر صحت و سلامت مناقصه‌ها نظارت کند و در هنگام وقوع هر نوع تخلف اقصدام لازم را به عمل آورد. به هنگام وقوع از عمده‌ترین علت‌های به وجود آمدن شرایط نامناسب در سازندگی کشور همانا غیبت تشکل‌های صنفی در عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و کنترل بوده که متأسفانه در قوانین موجود منظور نشده است. اینک که در این قانون(و هم‌چنین در دستور العمل تشخیص صلاحیت پیمانکاران) عملاً حق نظارت تشکل‌های صنفی پذیرفته شده، باید با تجهیز خود به آگاهی‌ها و آمارهای مورد نیاز و رعایت حق و عدالت جایگاه تعیین‌ا‌ش را به بدست آورد و مشروعیت اجتماعی لازم را کسب کند.

۴-۶- حذف اختیار مطلق مناقصه‌گزار در رد یک یا همه پیشنهادها

در این طرح سه‌طور کلی اصل بر رسیدگی به پیشنهادها و پذیرش یا رد آن‌ها در کمیسیون مناقصه براساس ضوابط خاص قرار داده شده است. بنابراین جایبی برای رد یک یا کلیه پیشنهادها بدون اعلام نظر کمیسیون وجود ندارد. بدیهی است حذف این ماده از قوانین موجود به هیچ وجه از اختیارات منطقی و سازنده مناقصه‌گزار نمی‌کاهد؛ زیرا اگر نیاز به برگزاری مناقصه از بین برود، مناقصه‌گزار می‌تواند طبق ضوابط پیشنهادها را مسترد دارد در صورتی که تخلفی در روند مناقصه اشکال و تحققی وجود دارد، می‌تواند از طریق طرح در هیأت رسیدگی به شکایات حتی تا لیت صورت اقدام کند. حذف اختیار مطلق مناقصه‌گزار موجب افزایش اعتماد مناقصه‌گزار به رعایت حق و عدالت خواهد گردید.

۴-۷- تصریح در تأمین منابع مالی طرح قبل از مناقصه

باجود آن که تأمین منابع مالی طرح قبل از مناقصه از بدیهیات است، ولی متأسفانه تاکنون توجه کافی به آن نشده است و به‌جدا مناقصه‌یابی که بدون تأمین اعتبار انجام شده مشکلات فراوانی را به وجود آورد؛داند. در ماده(۱۱) طرح جدید بر تأمین منابع مالی طرح تأکید و قید ضمان تأخیر در انجام تعهدات کارفرما بسیار مؤثری در سامان دهی مناقصه‌ها حایز اهمیت فراوانی است. بدیهی است اجرای این ماده نیازمند تنظیم ضوابط عملی و توجه عمده مناقصه‌گران بر اجرای آن است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

واضح است که بررسی کامل و جزء به جزء ضوابط موجود و طرح جدید رضامت نویسنده این نوشتار و در حد مجال یک مقاله نیست و از این رو فقط به بررسی مهم و مهم و تعیین‌کننده آن پرداخته شد. به‌طور کلی طرح جدید کارفرما بسیار مؤثری در سامان دهی مناقصه‌ها در کشور محسوب می‌شود و از نظر تشریفات اداری در حد امکان به همه مسایل پرداخته است و چنان‌چه از طریق تدوین آیین‌نامه‌ها و دستور العمل‌های مرتبط با آن، به‌ویژه اصلاح بنیادی شرایط عمومی پیمان و دستور العمل‌های فهارس پایه و مورد عنایت و تمکین قرار گیرد، می‌تواند در اصلاح مسیر زیانباری که سازندگی کشور در آن گرفتار شده، بسیار مؤثر واقع شود. شرط توفیق طرح، حمایت بخش دولتی و نظارت بخش خصوصی و به‌ویژه تشکل‌های صنفی بر اجرای صحیح آن است.

منابع و مآخذ

۱- مجموعه قوانین و مقررات برنامه و سازمان برنامه و بودجه، معاونت پشتیبانی امور مجلس، ۱۳۷۲

۲- طرح برگزاری مناقصات مصوب کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات، سال ۱۳۸۲





# نابسامانی‌های

# عرصه اقتصادی و مالی کشور

علی محبی نیا

برگرفته از نشریه مجلس و پژوهش- شماره ۳۹.....



با الهام از سخنان دوستان، این نکته به ذهنم متبادر شد که ما عنصر گمشده‌ای داریم. این عنصر گمشده هم در دل تاریخ ماست و هم این‌که الان با آن مواجهیم. مثبت آن این است که دست کم، گم بودنش معلوم است. البته هر کسی از ظن خود با این عنصر گمشده الفتی برقرار می‌کند، به قول صدرنشین قله عرفان، حضرت مولانا، «هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من». هر کسی متناسب با شخصیت تاریخی و شخصیت فعلی خود و با توجه به این‌که محصول کدام شرایط و نگرش هاست و در کدام طبقه بزرگ شده، نگاه خاصی به این مسایل دارد. بعضی توسعه پایدار را عنصر گمشده ما می‌دانند و بعضی مسایل سیاسی، دینی، فرهنگی و امثال این‌ها را لحاظ می‌کنند. برخی نیز با نگرش جزئی و برخی دیگر با نگرشی کلی، سیدی را در نظر می‌گیرند و تصورشان بر این است که همه، با یک حس مشترک، با یک همدردی و یک همسویی، گمشده‌های خود را داخل این سید می‌ریزند تا ببینند برای رسیدن به آن، کدام روش‌ها و الگوها، راهکارها و راهبردها جواب خواهند داد. امروز بحث ما در مورد آسیب‌شناسی معاملات عمومی است. می‌توان همه درمادنگ‌ها و گرفتاری‌ها را به نوعی به این مسأله ربط داد. کما این‌که می‌شود دردها را به مدیریت یا به بخشی از حاکمیت اربتباط داد. بعضی تمامی مشکلات را متوجه فرهنگ می‌دانند؛ این‌ها مسایلی هستند که می‌توان به عنوان موضوع مطرح کرد و برای آن‌ها الگو و

چه بسا تحقیقاتی انجام داد؛ اما عرض من این است که شاخص‌ها برای ما حقیقتاً نگران کننده‌اند و من امروز به دنبال متهم نیستیم! برای مثال، ادبیات یا بخشی از ادبیات بلوک شرق، زمانی که موجودیت داشت، متهمی را پیدا می‌کرد و در پناه مظلومیت آن متهم، از دولت اعلام برائت می‌جست؛ در این بحث، من هم حاکمیت را، هم مجریان و دست‌اندرکاران را و صاحب‌نظران را مسؤول می‌دانم. اگر آن تراوش‌های ذهنی‌ام امروز گریبان خودم را بگیرد، باز نمی‌خواهم خودم را محکوم ببینم؛ انگیزه‌ای هم ندارم که آن متوجه دولت شود. به میزانی که در واقعیت و براساس داده‌ها همبستگی مثبتی بین مسایل به وجود آید، اعتبار آن را می‌پذیرم. امسال نمی‌دانم که این بحث‌ها شده یا نه. بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات عمومی، ۶۷ هزار میلیارد ریال است. البته آمار و ارقام را من گردآوری می‌کنم. چه بسا اشتباه هم باشد. ۲۸ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی است که ۱۴ هزار میلیارد تومان آن هزینه‌های جاری

۸ هزار میلیارد تومانش هزینه عمرانی است. ما همه ساله کم و بیش چنین آمار و ارقامی را از ملت می‌گیریم و درصددیم تا آن‌ها را مدیریت کنیم. نتیجه آن‌چه چیزی است؟ آیا به دنبال یک اقتصاد کارآمد و سودمند هستیم که بتواند نیازهای ما را در سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال رفاه، مدیریت و همه مقولات، پاسخ دهد؟ آیا توانستیم این کار را عملی کنیم؟ امروز در عرصه حاکمیت، مقام معظم رهبری، رییس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، رییس مجلس، بخش خصوصی و همه گله‌مندند که چرا نیروی محرکه مدیریتی مملکت خوب روان نیست و خوب نمی‌چرخد. ما استفاده درست و بهینه‌ای از منابع نمی‌کنیم. نفت، گاز، معادن، نیروی انسانی و خیلی چیزها داریم، اما هیچ چیز نداریم. بالاخره این عنصر گمشده ما چیست؟ ما این را کجا باید پیدا کنیم؟ یا چه مؤلفه‌ها و با کدام ترکیب موضوعات و موارد می‌توانیم این راه را هموار کنیم؟ برای روان شدن این خودرو، ما باید کارهای زیادی انجام بدهیم. وقتی آقای احراری صحبت می‌کردند، من تأسف می‌خوردم؛ کسی هم نیستیم که بتوانیم خیلی به تقدس و امثال این‌ها تمسک کنیم. گفت اندیشه‌هایی که شما در این مورد مطرح می‌کنید، مثل این است که بخواهید خودروی بنز را در جاده‌ای که هر مترش ده‌ها دست‌انداز دارد، برانید. آیا شما خواهید توانست در این بستر راه بروید؟ قطعاً خواهید توانست؛ اما خودروی‌تان عملکرد مورد انتظار را نشان نخواهد داد.

همه موضوعات و همه مؤلفه‌ها باید با یکدیگر هماهنگ باشند. من ابتدا آمار و ارقامی را ازایه می‌کنم و سپس به سراغ آن بختی که در زمینه تشخیص صلاحیت حرفه‌ای است، می‌روم. ما چند سال است که در قالب برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه به دنبال این هستیم که اقتصادمان را از وابستگی نفت نجات دهیم و وقتی هم فرمایش‌های مسؤولان- کسانی که متولی هستند- را می‌شنویم، همه می‌گویند وضع خوب است؛ رشد مثبت است؛ درصدهای قابل قبولی را مطرح می‌کنند؛ ولی آن‌آیا نتیجه این است که مثلاً از سال ۱۳۶۱ تا به حال (این آماری است که خود دوستان به ما داده‌اند) پهبودی به وجود آمده است؟ قاعدتاً نه. اگر آن فرمایش‌های دوستان، در زمینه روند رو به رشد مداوم صحیح است، پس چرا با این آمارها هماهنگ نیست؟ به گونه‌ای که ما صادرات غیر نفتی ما در سال ۱۳۶۰ سه میلیارد و سیصد میلیون بود. در سال ۱۳۶۱ وضعیت بدتر شد. در سال ۱۳۶۲ این وضعیت کمی بهبود یافت و در سال ۱۳۷۰ به دو میلیارد و ششصد، در سال ۱۳۷۳ با ۳ میلیارد و ۶۰۰ سرانجام در سال ۱۳۸۰ به سه میلیارد دلار رسیده است. اگر هم با تسماج با این مسأله برخورد کنیم، این میزان ۴ میلیارد دلار خواهد شد. آیا

قرار بود در قالب برنامه پنجساله سوم، به چهار میلیارد دلار برسیم؟ این مسأله صادرات کالاهای غیر نفتی کشور ماست. در مورد بدهی‌ها، آماری که من ارایه می‌کنم رسمی نیست، استدعا می‌کنم عزیزان چندنا به آن استناد نکنند. نمی‌دانم چه‌قدر مجازیم این پرده را کمی کنار بزنیم و خود را آن طور که هست، ببینیم؛ من بعضاً برضی از ادعاهای‌مان که خود را ام الفرا می‌دانیم، تعجب می‌کنم. خود را از یک فرهنگ تاریخی بسیار غنی نمی‌پهرمند می‌دانیم؛ البته این طور هم هست؛ ولی این فرهنگ غنی چه تأثیری بر ما گذاشته است؟ سهم مدیریت ما در مدیریت جهانی چیست؟ سهم تجارت ما در تجارت جهانی چیست؟ بنده، به عنوان یک نماینده مجلس، حداقل توانسته‌ام سهم ملت ایران در عرصه روابط بین‌الملل حفظ کنم؟ یکی از مسؤولان تراز اول این مملکت در دولت آقای هاشمی برای خود من نقل می‌کرد که در سال ۱۳۷۳ با بحران بدهی مواجه بودیم که با



**آماری که از بانک مرکزی گرفتیم، نشان می‌دهد که میزان بدهی‌های تا سال ۱۳۸۰ به صورت بالغ و بالقوه ۲۳ میلیارد دلار بوده است**

من می‌خواهم عرض کنم در قالب همین تشخیص صلاحیت حرفه‌ای، ما دولت پیمانکار نمی‌خواهیم؛ بلکه به دنبال دولت برنامه‌ریز هستیم. در زمان پهلوی اقتصاد ما به دلیل فشار کمونیست‌ها دولتی بود. این راهمه می‌دانند. بعد از انقلاب هم، در اول توجه و تفسیر کردیم که این اشکال ندارد؛ چون متأسفانه اعتقادی به غیر از خودمان نداریم. اگر از سال ۱۳۵۲ در نظر بگیریم، می‌بینیم که ما یک روند مدرنیته یا نوسازی را در پیش گرفتیم که به ملت اعتماد کنیم؛ اما نتوانستیم. بعد از انقلاب هم علی‌رغم این همه زیبایی‌هایی که خود مردم آن‌ها را خلق کردند، موفق به این کار نشدیم. خالق هر حماسه‌ای در دل تاریخ ما، ملت است. باز ما مشکل داریم؛ طر‌حی در سال ۱۳۶۲ به عنوان یک طرح ملی و طرح اقتصادی شروع شده، که بسیاری از مشکلات امنیتی ما را می‌توانست در شمال غرب، آذربایجان و کردستان حل کند. هدفش این بود که پاسخگوی تهدیدهای امنیتی ما در ترکیه و شوروی سابق باشد و در عین حال، بازار تهران را به بازار مناطق اطراف وصل کند. هنوز پیشرفت فیزیکی این طرح به پنجاه درصد هم نرسیده است؛ابر همین اساس ما می‌گوییم پنجاه هزار طرح نیمه تمام استانی در دست ماست؛ چرا؟ برای این که خواستیم قهرمان کلنگ‌زن باشیم! آثار اقتصادی و توری که نه ۱۵۰۰ طرح نیمه تمام عمرانی ملی در نظام مالی به وجود می‌آورد، چیست؟ خلاصه کلام این- که امروز در عرصه برگزاری مناقصات عمومی و مناقضات محدود شبکه اطلاع‌رسانی ملی نداریم؛ شبکه‌های اطلاع‌رسانی به وجود می‌آیند؛ ولی در اختیار اطرافیان صاحبان قدرت گذاشته می‌شوند و به ابزاری برای فربه‌تر کردن تبدیلی می‌گردند. این شبکه اطلاع‌رسانی کاربردی ندارد و کار ساز نیست؛ برادران عزیز بنده برای آرایه بده و پیشنه‌های الگو به این جایبده‌ام. به صحبت‌های من در حد یک پیشنهاد و در حد یک درس عمومی در کنار درس‌های پایه و تخصصی، نگاه کنید. این مملکت از آن ماست. دین و قرآنش و سعدی و امام خمینی‌اش همه مال ماست. خدا رحمت کند دکتر شریعتی را که می‌گفت وقتی عفونت‌ها، بدیختی‌ها، فقر و مشکلات به یک جامعه روی آوردند و در یک خانه عمومی و یک کشور لانه کردند، ترا به خدا به سراغ بدیختان، بیچارگان و مستمندان نروید. اکنون هم باید گفت به سراغ دکتر مدیری‌ها بروید و بپرسید که چرا نتوانستید نیروی مجری و پیمانکار دولتی را، به این آستانه از باور برسانید که سینه شما اگر سهمناک و خیلی سرد شود، همچون خودروی در میان چشمان می‌شود. اقتصاد دولتی زمان رژیم سابق جواب نداد. در حال حاضر هم جواب نمی‌دهد. کارشناسان بسیار خوبی در

سازمان مدیریت فعالیت می‌کنند. در حقیقت، آنان می‌تازند تا مشکلات را برطرف کنند؛ اما باید تاختن نمی‌توان کاری از پیش برد. باید تلاش‌ها را بیمه کرد. به نظر من سازمان مدیریت، در حال حاضر بخشی از وظایف وزارتخانه راه‌م‌د یک می‌کشند؛ همچون بحث تشخیص صلاحیت‌ها را که جواب هم نداده است. براساس آمار و ارقام بحث اصلی در زمینه قراردادها و عدم‌اطلاع از خرید روز و عدم رعایت شفافیت است؛ برای نمونه، با دو کشور خارجی، قرارداد بستیم و هر دوی این‌ها کالاهایی را وارد کشور ما کردند که فقط به یکی از آن کالاهای نیاز داشتیم. آن یکی دیگر روی دستمان مانده و باسویه پخش کردیم. نمونه دیگر کالایی بود که ما داشت با یک تشخیص بهاشتی روی آن، را بی‌ضرر اعلام کردیم و متوجه شدیم که از قبل مصرف آن، هیچ نفعی هم متوجه شهروندان نیست؛ گفتیم این کالا هم به طور مسواوی بین استان‌ها پخش شود و با آن کالای سالم مربوط مخلوط گرد؛ بدین ترتیب خواستیم از خزانه میانت کنیم. در هر صورت، امروز حقیقت مایه دوستان‌مان در سازمان مدیریت، دولت و حتی در مجلس این است، برادران! همه شما دلسوز و انسان‌های پاکی هستید. وقتی که می‌گویم همه، این مطلق نیست؛ بلکه نسبی است. همه ما از سال ۱۳۵۲ تاکنون در قالب مواد(۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه عمومی خواستیم دولت را از کارفرمایی برهانیم و کار را به ملت واگذار کنیم؛ ولی نشد وقتی فضا مناسب نباشد، نفسی که از این سینه برمی‌آید، همچون دیواری در پیش چشمان‌تان می‌ایستد و نمی‌گذارد که ببینید: «**سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت سرها در گریبان است.**»

علی‌رغم همه گرفتاری‌هایی که داریم، باید در را بگشایید. من هم برای اصلاح و بهبودی قانون معاملات تلاش خواهم کرد، تا این جریان به نفع شرکت‌ها و پیمانکاران خصوصی شود. به هر حال ما در مجلس و کمیسیون اقتصاد کارهای مورد نیاز را انجام خواهیم داد. البته نباید چندان ناامید بود. در قالب همین اقدامات خوب مرکز پژوهش‌ها، مردم و بنگاه‌های اقتصادی، اصلاحیه خوبی را در قانون مالیات‌های مستقیم رقم زدند. قانون سرمایه‌گذاری خارجی و جلب حمایت از سرمایه‌گذاری راوارد و دستاورد خوبی است که قانون خوبی است. لایحه قانونی جمع عوارض که به حق مورد انتقاد قرار گرفت و مورد چالش واقع شد. احتمالاً هم طرح مالیات بر ارزش افزوده بتواند یک اهم خوب باشد. ترکیب این عوامل و در کنار آن یک راه‌آورد و دستاورد خوبی است که حاصل این گونه نشست‌هاست. امیدوارم در قالب اصلاح قانون معاملات عمومی، بتوانیم این فضای سرد را بهبود ببخشیم، تا نفس‌ها در پیش چشمان‌مان دیوار نشود.

|                                                                                                                                                                                                                                                           |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: جلیل قنادرزاده - سردبیر و مدیر اجرایی: علی قره‌داغلی</b>                                                                                                                                                                      |
| <b>www.2rooznameh.com</b>                                                                                                                                                                                                                                 |
| <b>مدیر آگهی‌ها: مریم عسگری - مدیر هنری: آرش روشننگر</b>                                                                                                                                                                                                  |
| رایانکار مدیر اجرایی: lemonaqeseh@gmail.com, رایانکار سردبیر: mozayede@gmail.com, رایانکار روابط عمومی: info@2rooznameh.ir, رایانکار تحریریه: emonaqeseh1@gmail.com, رایانکار بازگانی: lemonaqeseh1@gmail.com, رایانکار مشتری‌کن: eshterak@2rooznameh.com |
| نشانی: تهران، خیابان مطهری، بعد از چهار راه سپهرودی، پلاک ۸۴، طبقه ۲، واحد ۸<br>تلفن: ۰۲۷۷۴۴۴۹۱-۰۲۸۸۴۷۵۷۹۰, یوزیع: سوره‌ستان های ایران <b>اینو گرافی چاپ: کارو کارگر</b>                                                                                  |
| <b>چاپ مقالات و نظرات در این نشریه به معنای تأیید یا رد آن مطالب نبوده و «مناقصه‌مزایده» دارای مشی مستقل خود می‌باشد.</b>                                                                                                                                 |
| شنبه ۱۳۹۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ - <b>سال هفتم   شماره ۱۳۰  </b> ۶ جمادی‌الثانی ۱۳۹۳ - <b>Vol.7   No.740   Apr.28, 2012</b>                                                                                                                                        |

#### کارگروه

**کار گروه علمی بررسی قوانین و مقررات برگزاری مناقصات (۶)**



#### علت برگزاری ارزیابی کیفی چیست؟

**علی قره‌داغلی – کارشناس حقوقی و روزنامه‌نگار**

ارزیابی کیفی برای شناخت شرکت‌های متقاضی خسور در مناقضات می‌باشد در اصل قبل از ورود به یک مناقصه ابتدا باید از اینکه با چه شرک‌تی انعقاد قرارداد خواهد شد آگاهی و اطلاع پیدا کرد و در اصل این مرحله پیش از مناقصه می‌باشد و اگر مناقصه را یک فرآیند در نظر بگیریم در این مرحله می‌توان فهمید که به‌عنوان «پیش فرآیند» و یا «شبه پیش فرآیند»، نام برد. این مرحله از این لحاظ حایز اهمیت بسیاری است که در این مرحله می‌توان از اینکه آیا شرکت مناقصه‌گر صلاحیت ذاتی، توان اجرایی، توان مدیریتی و توان مالی برای انجام کل فرآیند مناقصه را دارد یا خیر مطلع شد. در نتیجه علت برگزاری ارزیابی کیفی همین دلایل می‌باشد.

**محسن رجایی – کارشناس مناقصات**

در قانون آئوع ارزیابی وجود دارد، ۱۱ ارزیابی مالی، ۱۲ ارزیابی فنی، بازگانی، ۱۳ ارزیابی کیفی ۱۴ ارزیابی شکلی که در اینجا به ارزیابی کیفی اشاره شد برای شناخت ارزیابی کیفی نیاز به مقایسه بین ارزیابی فنی و ارزیابی کیفی داریم. در ارزیابی کیفی شرکت متقاضی «مناقصه‌گر» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در ارزیابی فنی کالا و یا خدمات مناقصه‌گر یعنی، شرکتی که متقاضی حضور در مناقصه را دارد آیا صلاحیت شرکت در مناقصه را دارد چون هر شرکتی توان مالی و حرفه‌ای حضور در مناقضات را ندارد، و ارزیابی کیفی نیز به‌همین منظور انجام می‌گیرد در واقع از آن می‌توان به‌عنوان فیلتری نام برد که مناقصه‌گران دارای صلاحیت را جهت حضور در مناقضات برمی‌گزیند.

**نادر همایونی – کارشناس حقوقی و حقوق جزا**

بهرترین عمل برآی تعریف ارزیابی کیفی استاندارد سه‌متن قانون برگزاری مناقضات که «ارزیابی توان انجام تعهدات مناقصه‌گران» است. در واقع همانطور که قانون اشاره داشته ارزیابی کیفی به‌دلیل ارزیابی توان انجام تعهدات توسط شرکت‌های مناقصه‌گر می‌باشد. توان به‌عنوان یک کلمه عام دارای معانی و مفاهیم متعددی می‌باشد در واقع دستگاه «مناقصه‌گزار» آن توان شخص حقیقی یا حقوقی را که متقاضی حضور در فرآیند مناقصه می‌باشد را که شامل توان مالی، فنی و یا سایر امور است مورد بررسی قرار داده که آیا این شخص حقیقی یا حقوقی متقاضی حضور در مناقصه صلاحیت‌های عمومی مدنظر را داراست یا خیر. زیرا همانطور که در قانون مناقضات اشاره شده، معیار تنها کمترین قیمت نیست بلکه متناسب‌ترین قیمت است و پروژه و یا کار سازمان و یا دستگاه مناقصه‌گزار باید توسط شخص حقیقی یا حقوقی که دارای توانمندی لازم از نظر مناقصه‌گزار می‌باشد با کیفیت مطلوب انجام شود چون مسلماً اگر پروژه با پایین‌ترین ترسین مناقصه‌گری انجام شود که توانایی‌های لازم را دارا نیست در واقع آثار زیان بار و خسارت مالی در آینده به کل پروژه و منافع ملی وارد می‌نماید زیرا که این خسارت‌ها بسیار بالاتر از رقم پایین‌ترین مبلغ مناقصه می‌باشد.

**سازمان‌های مناقصه‌گزار**

**داستگاه‌های اوقات**

**میان ارزیابی کیفی و ارزیابی**

**فنی-بازگانی دچار تداخل**

**موضوعی می‌شوند که این**

**خود یک معضل اساسی است**

**و در صورتی که نتوانند این**

**دو را از همدیگر تمیز دهند**

**دچار در سر‌هایی در فرآیند**

**خود متوجه خواهند شد**

**محسن رجایی – کارشناس مناقضات**

پیش از پرداختن به بحث ارزیابی فنی- بازگانی باید گفت در پیشینه تصویب قانون بحث ارزیابی فنی کیفی مطرح بود یعنی هر دو یک ارزیابی بودند و در مراحل تصویب این دوا هم جدا شده و به دو نوع ارزیابی فنی- بازگانی و ارزیابی کیفی تقسیم شدند. آنچه در قانون فعلی مطرح است تعریفی است که در ارزیابی فنی- بازگانی ذکر شده یعنی «فرآیندی است که در آن مشخصات، استانداردها، کارایی، دوام و سایر ویژگی‌های فنی- بازگانی پیشنهادهای مناقصه‌گران بررسی، ارزیابی و ارزیابی و پیشنهادهای قابل قبول برگزیده می‌شوند» این تعریفی است که در ماده «۲» قانون برگزاری مناقضات به آن اشاره شده است، همان گونه که در جلسه گذشته در بررسی ارزیابی کیفی اشاره شد در ارزیابی کیفی خود مناقصه‌گر مورد بررسی قرار می‌گیرد اما در ارزیابی فنی «کالا یا خدمات مورد نظر مناقصه‌گزار» مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد، این موضوع تنها در مناقضات و در مرحله‌ای وجود دارد، با توجه به تعریف قانون‌گزار تنها در مناقضات دو مرحله‌ای ارزیابی فنی- بازگانی داریم حال سؤال اینجاست ارزیابی فنی- بازگانی باید شامل چه مشخصات و معیارهایی باشد؟ به جهت اینکه کالا و خدمات، گسترده و دارای وسعت زیادی می‌باشد در خود تفاوت یا آیین‌نامه‌های آن به معیارهای ارزیابی فنی- بازگانی اشاره نشده است، در آیین‌نامه ارزیابی کیفی معیارهای دیده می‌شود که باید این معیارها در ارزیابی مورد استفاده قرار گیرد در صورتی که در ارزیابی فنی به این موضوع اشاراری نشده است، مشکلی هم که در دستگاه‌های مناقصه‌گزار وجود دارد همین معیارهای ارزیابی فنی- بازگانی است، یعنی چه معیاری برای این ارزیابی باید در نظر گرفته شود؟ به‌دلیل دامنه و وسعت زیاد و اشاره نشدن به معیارها در قانون، دستگاه مناقصه‌گزار دچار چالش می‌شود، سؤالی که از سوی مناقصه‌گزار در اینجا به‌وجود می‌آید این است که «چرا مناقصه دو مرحله‌ای شده است؟» اگر این ضرورت وجود داشت که مناقصه دو مرحله‌ای شود پس باید معیارهای موردنظر وجود داشته باشد که مناقصه دو مرحله‌ای شود و اگر معیاری مدنظر نیست یعنی همان اسناد مناقصه کفایت می‌کند و معیاری برای بررسی کردن وجود ندارد پس الزاماً مناقصه باید یک مرحله انجام شود و نیازمند ارزیابی نیست و معیارهای آن یکسان است، بنابراین اگر دستگاه مناقصه‌گزار بر اساس تشخیص خود اعلام کند که مناقصه دو مرحله‌ای می‌باشد حتماً معیارهایی را برای ارزیابی فنی- بازگانی در نظر گرفته است و آن‌ها را در اسناد مناقصه اعلام می‌کند و در نهایت ارزیابی فنی- بازگانی را انجام خواهد داد. در مناقضات دو مرحله‌ای اسناد ارزیابی فنی- بازگانی در پاکت «ب» قرار گرفته و مناقصه‌گرانی که حداقل امتیاز لازم را داشته باشند در فرآیند بعدی مناقصه که ارزیابی مالی است قرار خواهند گرفت.

**حمید سادات – کارشناس حقوقی و وکیل پایه یک دادگستری**

تنها نکته‌ای که در این مورد می‌توانم اشاره کنم این است که چون در استاندارد، کارایی و دوام و سایر خصوصیاتی که برای ارزیابی فنی- بازگانی اشاره شده است معیارهای خاصی وجود ندارد، شاید بتوان با توجه به‌همین استانداردها و تعریف دقیق کارایی و دوام و مباحث مطرح شده در بند «و» ماده «۲»، استاندارد‌هایی را استخراج کنیم که رویه واحدی برای دستگاه‌های مناقصه‌گزار ایجاد شود و با استانداردهایی توسط سازمان استاندارد را معاونت راهبردی وضع شود که از طریق آن‌ها بتوان ملاک‌هایی را برای ارزیابی فنی- بازگانی اعمال کرد و این موضوع می‌تواند برای این ارزیابی و دستگاه‌هایی مناقصه‌گزار در مناقضات دو مرحله‌ای راهگشا باشد.

**علی قره‌داغلی – کارشناس حقوقی و روزنامه‌نگار**

دوستگاه به‌طور کامل در این مورد توضیح دادند ولی نکته‌ای در اینجا لازم به ذکر است، آن اینکه سازمان‌های مناقصه‌گزار یا دستگاه‌های اوقات میان ارزیابی کیفی و ارزیابی فنی- بازگانی دچار تداخل موضوعی می‌شوند که این خود یک معضل اساسی است و در صورتی که نتوانند این دو را از همدیگر تمیز دهند دچار در سر‌هایی در فرآیند مناقصه خواهند شد، در پاره‌ای از مناقضات دو مرحله‌ای تمام مراحل ارزیابی فنی- بازگانی همانند مناقضات یک مرحله‌ای انجام می‌گیرد، یعنی همان معیارهایی که در ارزیابی کیفی در مرحله اول مورد بررسی قرار گرفته‌ه در مرحله دوم و در ارزیابی فنی- بازگانی نیز از همان معیارهای ارزیابی فنی- بازگانی استفاده می‌شد همین موضوع باعث خلط میحث بین این دو ارزیابی می‌شود و این امر گاهی ممکن است منجر به ابطال و یا لغو مناقصه شود، زمانی که مناقصه دو مرحله‌ای می‌شود پس باید موضوعات دیگری مورد بررسی قرار گیرند نه همان معیارهایی که در ارزیابی کیفی بررسی شده است، این موضوع در کارهای کالامود کمتر و در مباحث ساختمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند. در کارهای ساختمانی بررسی توان انجام پروژه، حسن انجام کار و غیره همه از مواردی است که در ارزیابی کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد همچنین در ارزیابی فنی- بازگانی نیز بررسی می‌شود، همین موضوع باعث تداخل بین این دو ارزیابی می‌شود تنها بعدی که میحت ارزیابی فنی- بازگانی در مناقضات دو مرحله‌ای وجود دارد باید در بر این مناقضات بررسی شود که آیا ضرورتی به برگزاری مناقصه دو مرحله‌ای هست یا خیر؟ به این معنی که زمانی که مناقصه در مرحله اول و باز ارزیابی قبلی انجام است و اسناد مناقصه نیاز را رفع می‌کند لازمی به برگزاری مناقصه دو مرحله‌ای وجود ندارد.